

حکایتی آموزنده از مردم داری رسول خدا(ص)

آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود گفت: یکی از دلایل پیشرفت اسلام، سعه صدر، مردم داری و صبر و استقامت پیامبر اکرم(ص) در برابر حوائج و توقعات مردم بود.



آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود گفت: یکی از دلایل پیشرفت اسلام، سعه صدر، مردم داری و صبر و استقامت پیامبر اکرم(ص) در برابر حوائج و توقعات مردم بود.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن درس اخلاق آیت الله مظاهری درباره حکایتی آموزنده از مردم داری رسول خدا(ص) در پی می آید:

در تاریخ صدر اسلام آمده است که قبیله ای نصرانی در اطراف حجاز زندگی می کردند و رئیس آن قبیله، عدی بن حاتم طائی بود. عدی، پس از درگذشت پدرش حاتم طائی که به سخاوت مشهور بود، سرپرست قوم شده بود و او و قومش تا بعد از فتح مکه هنوز اسلام را نپذیرفته بودند. از این رو گروهی از جانب پیامبر اکرم(ص) برای نشر اسلام به سوی قبیله آن ها عزیمت کردند. عدی با شنیدن این خبر فرار کرد و مسلمانان، خواهر او که دختر حاتم طائی بود را به همراه سایر افراد آن قبیله به مدینه بردند.

وقتی دختر حاتم طائی پیامبر اکرم(ص) را دید، گفت: من دختر حاتم طائی هستم، عزیز بوم و اکنون ذلیل شده ام، شما مرا به خانواده ام برگردانید. پیغمبر اکرم(ص) سکوت اختیار کردند. فردای آن روز، در ملاقات با آن حضرت، سخنان و درخواست خود را تکرار کرد. پیامبر گرامی در پاسخ فرمودند: از دیروز که گفتی، من منتظرم شخص امین، مورد اعتماد و خیرخواهی بیابم تا تو را به خانواده ات برگرداند. بالاخره او را به خانواده اش برگرداندند. دختر حاتم طائی تحت تأثیر رأفت و مردم داری پیامبر اکرم(ص) قرار گرفت و هنگام بازگشت، برادرش عدی را یافت و به او گفت: آگاه باش که دین اسلام پیشرفت می کند، زیرا واقعیت و حقیقت خاصی دارد. تو هرچه زودتر نزد پیامبر برو و اسلام اختیار کن.

عدی بن حاتم به مدینه آمد و در مسجد خدمت رسول خدا(ص) رسید. پیامبر به او احترام گذاشتند، زیرا وی فرزند حاتم طائی بود. پس از نماز، حضرت او را در خانه خود مهمان کردند. عدی می گوید: به دنبال رسول خدا راه افتادم. در وسط راه، در حالی که هوا بسیار گرم بود، پیرزنی نزد پیامبر آمد و از ایشان سؤال کرد و آن حضرت را در آن هوای گرم، معطل نمود، اما رسول خدا(ص) با سعه صدر و مهربانی، جواب وی را دادند تا اینکه سؤال او تمام شد. عدی بن حاتم چون معمولاً با ثروتمندان و طبقه اشراف سر و کار داشت و اینگونه رفتارها را ندیده بود، تحریک عاطفه شد و با توجه به گفته های خواهرش، زمینه پذیرش اسلام در وجود او ایجاد گردید. با خود گفت: این مرد نمی تواند انسانی معمولی باشد. سپس وقتی به خانه پیامبر آمد و ساده زیستی ایشان را دید، بسیار تعجب کرد که چگونه حاکم حکومت چنین زندگی ساده ای دارد؟

پیامبر اکرم(ص) احترام خاصی به او گذاشتند و پس از صرف غذا، جمله ای گفتند که او حیران ماند. فرمودند: تو که نصرانی نیستی، چرا از نصرانی ها عشریه می گیری؟

در نصرانیّت واجب بود که یک دهم از اموالشان را تحت عنوان عشریه به رئیس و بزرگ قبیله بدهند. عدی بن حاتم نصرانی نبود، اما قوم او که نصرانی بودند، از این حقیقت خبر نداشتند و به او به عنوان بزرگ قوم نصرانی، عشریه می پرداختند. پیامبر فرمودند: گرفتن عشریه برای تو که نصرانی نیستی، حق الناس است و گناه بزرگی دارد.

عدی بن حاتم با شنیدن این واقعیت از زبان پیامبر اکرم(ص) که هیچ کس جز خودش از آن مطلع نبود و با زمینه ای که در اثر مردم داری آن حضرت در او ایجاد شده بود، مسلمان شد.

در واقع، مردم داری پیامبر اکرم(ص)، احترام به دختر حاتم طائی، توجه به خواسته های مردم، به خصوص پاسخ گویی ایشان در هوای گرم به سؤالات یک پیرزن، ساده زیستی آن حضرت و نیز خبر غیبی ایشان، باعث اسلام آوردن عدی بن حاتم شد.

همچنین این حکایت آموزنده به ما می فهماند که یکی از دلایل پیشرفت اسلام، سعه صدر، مردم داری و صبر و استقامت پیامبر اکرم(ص) در برابر حوائج و توقعات مردم بود.